

ساخت‌های اسنادی و سببی در زبان فارسی

امید طیب‌زاده (استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا)

مقدمه

ساخت جملات اسنادی در زبان فارسی به صورت «مسنَد آیه + مسند + فعل اسنادی» است. زنجیره «مسنَد (اسم یا صفت) + فعل اسنادی» چنان زیاست که هیچ‌گاه اقلامی چون خنک شدن، زیبا بودن، چاق شدن، خوشحال بودن، معلم بودن، مهندس شدن را در واژگان یا فرهنگ‌های فارسی به صورت مدخل ضبط نمی‌کنند. در این مقاله، به دنبال آراء طباطبائی (۱۳۸۴) نشان داده‌ایم که در زنجیره «صفت + کردن»، «کردن» غالباً نه هم‌کرد بلکه فعل اسنادی سببی است که با فرایندی سببی ساز از روی زنجیره «صفت + فعل اسنادی» تولید می‌شود. در این معنا زنجیره «صفت + فعل اسنادی سببی کردن» را نیز به دلیل زبانی این الگوی ساختاری نباید در واژگان ثبت کرد. در پایان، درباره‌ی دسته‌ای از ترکیب‌ها که با فعل اسنادی ساخته می‌شوند ولی باید آنها را در واژگان ثبت کرد بحث کرده‌ایم.

ساخت‌های اسنادی و ساخت‌های سببی

طباطبائی (۱۳۸۴) نشان داده است که همواره می‌توان زنجیره «صفت + فعل اسنادی» را با افزودن یک مفعول رایی به شکل زنجیره «مفعول رایی + صفت + کردن» درآورد؛ مثلاً

او خوشحال است. ← مادرش او را خوشحال کرد.

بچه چاق است. ← تو بچه را چاق کردی.

پارچه سبز است. ← ما پارچه را سبز کردیم.

طباطبائی از این نکته نتیجه می‌گیرد که «عبارت‌های ناراحت شدن و ناراحت بودن و ناراحت کردن فعل مرکب نیستند، زیرا می‌توان تقریباً هر صفتی را به جای ناراحت قرار داد.» (همان، ص ۲۸):

راضی شدن ← راضی بودن ← راضی کردن

شادشدن ← شادبودن ← شادکردن

غمگین شدن ← غمگین بودن ← غمگین کردن

طباطبائی می‌کوشد از فهرست افعال مرکب در واژگان زبان بکاهد و مواردی را که با یک فرایند نحوی زایا تولید می‌شوند به بخش نحو منتقل کند. حال این سؤال پیش می‌آید که، اگر «کردن» در زنجیره «صفت + کردن» همکرد یعنی عنصر فعلی در فعل مرکب نیست، پس چه نوع فعلی است؟ فعل تام است یا کمکی یا اسنادی؟ طباطبائی خود به این سؤال پاسخ نمی‌دهد، اما توضیحاتی می‌آورد که راه رسیدن به پاسخ را تا حد زیادی هموار می‌کند. او متذکر می‌شود که فعل اسنادی «شدن» بیانگر صیرورت یا تغییر از حالتی به حالت دیگر است و فعل اسنادی «بودن» نیز مبین حالت ایستایی و وضعیت موجود است. وی سپس تصریح می‌کند که فعل «کردن» در زنجیره «صفت + کردن» با فعل اسنادی «شدن» متناظر است به این معنا که مانند «شدن» حالت صیرورت یا تغییر از حالتی به حالت دیگر را می‌رساند:

هوا خنک شد. ← بارش باران هوا را خنک کرد. (همان، ص ۳۰)

به نظر نگارنده، به دنبال این توضیحات می‌توان چنین نتیجه گرفت که «کردن» در مثال فوق فعلی اسنادی و سببی است که جانشین فعل اسنادی «شدن» شده است. یعنی در اینجا می‌توان از فرایند نحوی عامی به نام فرایند سببی‌سازی سخن گفت که در اکثر مواقع زنجیره (۱) زیر را به زنجیره (۲) مبدل می‌سازد:

(۱) مستدالیه + مسند (صفت) + فعل اسنادی

(۲) فاعل + مفعول (همان مستدالیه در ساخت بالا) + مسند (صفت) + فعل اسنادی

سببی «کردن»

از این پس زنجیره نخست را جمله اسنادی، و زنجیره دوم را جمله سببی اسنادی می‌نامیم. طبق فرایند سببی‌سازی، اولاً مستدالیه در جمله اسنادی به مفعول رایبی در

جمله سببی اسنادی بدل می‌شود؛ ثانیاً یک فاعل به جمله سببی اسنادی افزوده می‌شود؛ ثالثاً فعل اسنادی به فعل سببی اسنادی «کردن» بدل می‌شود. در بخش بعدی مقاله، ضمن برشمردن ویژگی‌های افعال اسنادی، نشان خواهیم داد که «کردن» در زنجیره دوم فوق دارای تمام ویژگی‌های افعال اسنادی است جز آنکه متعدی است و نیاز به مفعولی رایی دارد. از این رو، «کردن» را در زنجیره دوم فعل سببی اسنادی نامیده‌ایم.

ویژگی‌های افعال اسنادی

فعل اسنادی به فعلی اطلاق می‌شود که رابطه‌ای اسنادی بین مسند الیه و مسند پدید آورد. افعال و جملات اسنادی دارای ویژگی‌های زیرند (← صادقی و ارزنگ ۱۳۵۸، ص ۷۰):

الف) مسند متمم اجباری فعل اسنادی است و حذف آن جمله را بدساخت می‌کند: رنگ پارچه سبز است. ← *رنگ پارچه است.

غذا داغ شد. ← *غذا شد.

پس از اعمال فرایند سببی ساز بر جملات فوق، به جملاتی می‌رسیم که در آنها نیز مسند متمم اجباری فعل «کردن» است و حذف آن جمله را غیر دستوری می‌کند:

او رنگ پارچه را سبز می‌کند. ← *او رنگ پارچه را می‌کند.

او غذا را داغ کرد. ← *او غذا را کرد.

ب) مسند از نظر مقوله واژگانی یا اسم است یا صفت:

مسعود توانا شد. (توانا = صفت)

این ساختمان مدرسه است. (مدرسه = اسم)

به نظر نگارنده، فرایند سببی سازی نه فقط بر زنجیره «صفت + فعل اسنادی» بلکه بر زنجیره «اسم + فعل اسنادی» نیز عمل می‌کند. مثلاً بر اثر این فرایند، جمله اسنادی زیر به جمله سببی بدل می‌شود:

این ساختمان مدرسه است. ← آنها این ساختمان را مدرسه کردند.

اقتصادی‌ترین راه برای توصیف ترکیب مدرسه کردن در مثال فوق این است که آن را زنجیره «اسم + فعل اسنادی سببی 'کردن'» بگیریم و بحث درباره آن را به مبحث نحو منتقل کنیم. در غیر این صورت، بر شمار افعال مرکب موجود در واژگان زبان فارسی بی‌اندازه افزوده می‌شود که مغایر با اصل اقتصاد زبانی است. مثلاً، اگر مدرسه کردن را در

جمله بالا فعل مرکب بگیریم، باید تمام موارد «اسم + کردن» در مثال زیر را هم از جمله افعال مرکب فارسی بشماریم:

او این ساختمان را بقالی / بیمارستان / مسجد / دانشگاه / ناوایی / فروشگاه / کتابخانه ... کرد.

البته باید توجه داشت که، در زنجیره «صفت + کردن»، «کردن» در قریب به اتفاق موارد فعل سببی اسنادی است. اما، در زنجیره‌های «اسم + کردن»، «کردن» گاه فعل اسنادی و گاه همکرد است. در این مختصر، قصد پرداختن به راه‌های تمایز نهادن میان زنجیره‌های «اسم + فعل سببی کردن» از «اسم + همکرد کردن» را نداریم، فقط اجماً می‌گوییم که زنجیره‌های اول تقریباً همواره قابل تبدیل به ساخت‌های اسنادی‌اند، اما زنجیره‌های نوع دوم هیچ‌گاه به زنجیره‌های اسنادی مبدل نمی‌شوند. مثلاً ترکیب‌های تب کردن، ناله کردن، سرفه کردن، غش کردن و تهدید کردن همه از جمله افعال مرکب محسوب می‌شوند نه ساخت‌های سببی اسنادی و به همین دلیل نیز نمی‌توان آنها را به ساخت‌های اسنادی مبدل کرد:

او تب کرد. ← *او تب بود.

شب‌ها ناله می‌کند. ← *شب‌ها ناله شد.

گاهی غش می‌کند. ← *گاهی غش شد.

آنها مرا تهدید کردند. ← *من تهدید هستم.

از جمله اخیر می‌توان به جمله زیر رسید:

من تهدید شدم.

اما باید توجه داشت که، در این جمله، «شدن» فعل معین مجهول‌ساز است نه فعل اسنادی.

ج همیشه میان مستند آیه و مسند در جملات اسنادی رابطه همسانی وجود دارد به حدی که می‌توان این دو را یکی دانست:

نازنین درس خوان است. (نازنین = درس خوان)

سحر دکتر است. (سحر = دکتر)

با اعمال فرایند سببی سازی بر جملات فوق به ساخت‌هایی می‌رسیم که در آنها نیز رابطه همسانی میان مستند آیه (که به جایگاه مفعول رفته است) و مسند وجود دارد:

محمد نازنین را درس خوان کرد. (نازنین = درس خوان)

مرجان سحر را دکتر کرد. (سحر = دکتر)

اگر در جمله‌ای از افعال «بودن» یا «شدن» استفاده شود اما رابطه همسانی میان مفعول و اسم / صفت برقرار نشود، آن افعال از جمله افعال اسنادی محسوب نمی‌شوند:
هوا همه جا هست. (هوا همه جا)

در واقع، فعل «بودن» در جمله فوق به معنای «وجود داشتن» است و فعلی تام محسوب می‌شود.

د) افعال اسنادی، از حیث نوع اسنادی که میان مسند الیه و مسند برقرار می‌کنند، به دو دسته افعال اسنادی جاری و افعال اسنادی نتیجه‌ای تقسیم می‌شوند. افعال اسنادی جاری مبین رابطه‌ای اسنادی میان مسند الیه و مسندند که همچنان وجود دارد، و مهم‌ترین فعل اسنادی جاری در فارسی فعل «بودن» است^۱:

او زیباست.

پرده سفید است.

اما افعال اسنادی نتیجه‌ای مبین رابطه‌ای اسنادی میان مسند الیه و مسند است که به نتیجه رسیده است. «شدن» یک فعل اسنادی نتیجه‌ای است:

او زیبا شد.

پرده سفید شد.

یکی از ویژگی‌های افعال اسنادی این است که، در بسیاری از موارد، می‌توان فعل اسنادی جاری را در جملات گوناگون به فعل اسنادی نتیجه‌ای مبدل کرد و بالعکس:

او زیباست. ← او زیبا شد.

پرده سفید شد. ← پرده سفید است.

فعل سببی «کردن» در زنجیره «صفت + کردن» از این حیث نیز فعلی اسنادی است؛ زیرا اولاً همانند «شدن» فعلی نتیجه‌ای است که رابطه‌ای به نتیجه رسیده را میان مسند الیه و مسند بیان می‌دارد:

باران هوا را خنک کرد.

۱) می‌توان گفت که «بود» ماضی «هست» است اما ماضی «است» نیست؛ زیرا «است» اصولاً زمان ندارد لذا به این اعتبار فعل نیست - چنانکه در عربی نیز متناظر آن در جمله مبتدا خبری فعل نمی‌آید - درحالی که «هست» زمان دارد و فعل است. - ویراستار

ثانیاً تقریباً همواره می‌توان آن را به ساخت استنادی «مسند آلیه + مسند + فعل استنادی» مبدل کرد یعنی به جای «کردن» از افعال استنادی «بودن» یا «شدن» استفاده کرد: باران هوا را خنک کرد. ← هوا خنک است / شد.

زنجیره‌های واژگانی

چنان‌که گفتیم، معنا و کاربرد افعال استنادی چه در ساخت‌های استنادی و چه در ساخت‌های سببی غالباً قابل پیش‌بینی و مشخص است؛ از این رو، لازم نیست آنها را در واژگان به صورت مدخل ضبط کنیم. اما در مواردی زنجیره «صفت + فعل استنادی» به زنجیره یا واحدی واژگانی مبدل می‌شود که باید آن را در واژگان به صورت مدخل مستقلی ضبط کرد. یکی از این حالات آن است که زنجیره «صفت + فعل استنادی» معنای اصطلاحی پیدا می‌کند و معنای کل زنجیره حاصل معنای تک تک اعضای آن نیست. مثلاً زنجیره چاق کردن در معنای «فربه یا پرور کردن»، در واژگان، به صورت مدخل ضبط نمی‌شود، اما همین زنجیره در معنای «شفادادن و علاج کردن» باید در فرهنگ‌ها ثبت شود:

اگر راست می‌گوید برود سوزاکش را چاق بکند. (← نجفی ۱۳۷۸، ص ۴۰۶)

با زنجیره دراز کردن در معنای «افزودن به طول چیزی» لزوماً در فرهنگ‌ها ثبت نمی‌شود، چون معنای آن حاصل معنای تک تک اعضای زنجیره است، اما همین زنجیره در معنای «تحقیر کردن، به شدت انتقاد کردن»، باید در فرهنگ‌ها ثبت شود:

اِه، اِه، چه کار داری می‌کنی؟ با اینها داری کنار می‌آیی؟ یادت رفت که همین چند دقیقه پیش مثل گوشت قربانی دوازت کرده بودند؟ (← همان، ص ۶۱۷)

یا زنجیره زرد کردن در معنای «به رنگ زرد درآوردن» در واژگان یا فرهنگ‌ها به صورت یک مدخل ضبط نمی‌شود، اما همین زنجیره در معنای اصطلاحی «به شدت ترسیدن» در واژگان به صورت مدخل ضبط می‌شود:

دیدم دو نفری دارند زور می‌آورند پنجره را باز کنند. من هم ... زور آوردم باز نشود. آنها زور بده من زور بده. شیشه پول شد جرینگی ریخت روی زمین. هر سه نفر زرد کرده بودیم. (← همان،

این ترکیبات، وقتی معنای اصطلاحی پیدا می‌کنند، گاه برخی یا حتی تمام ویژگی‌های خود به عنوان سازه‌های اسنادی را از دست می‌دهند و، در حالت اخیر، کلاً به فعل مرکب مبدل می‌شوند. مثلاً زنجیره چاق کردن در معنای اصطلاحی آن بسیاری از ویژگی‌های ساخت اسنادی خود را حفظ می‌کند و می‌توان آن را با افعال اسنادی «بودن» و «شدن» به کار برد:

دماغت چاق است؟

رفتی دکتر، چاق شدی؟

اما زنجیره زرد کردن در معنای اصطلاحی تمام ویژگی‌های افعال اسنادی را از دست می‌دهد. مثلاً وجود مفعول در ساخت آن الزامی نیست:

هر سه نفر زرد کرده بودیم.

یا مسند آیه و مسند در آن این‌همانی ندارند:

هر سه نفر زرد کرده بودیم. (هر سه نفر \neq زرد)

یا اینکه در آن به جای «کردن» نمی‌توان از صورت‌های «شدن» و «بودن» در ساخت‌های اسنادی استفاده کرد:

* هر سه نفر زرد شدیم.

* هر سه نفر زرد بودیم.

نتیجه‌گیری

ساخت «مسند آیه + مسند + فعل اسنادی (بودن / شدن)» با قاعده‌ای نحوی به ساخت «فاعل + مفعول (همان مسند آیه در ساخت بالا) + مسند + فعل سببی (کردن)» مبدل می‌شود. در این معنا نه زنجیره «مسند + فعل اسنادی» (مثلاً زیبا شدن، چاق شدن، لاغر بودن، معروف بودن) نه زنجیره «مسند + فعل سببی» (مثلاً زیبا کردن، چاق کردن، لاغر کردن، معروف کردن)، هیچ‌کدام، واحدهای واژگانی نیستند و نباید در واژگان زبان درج شوند. انتقال زنجیره‌های «مسند + فعل سببی» به بخش نحو، به حد چشمگیری، هم از بار واژگان زبان می‌کاهد و هم از حیث اقتصاد زبانی کار توصیف زبان را ساده‌تر می‌کند. این معنی غالباً مربوط به مواردی است که مسند صفت باشد؛ اما در بسیاری از موارد که مسند اسم است نیز صادق است. مثلاً اگر جمله این ساختمان مدرسه شد را مجهول جمله آنها

این ساختمان را مدرسه کردند در نظر بگیریم، خود به خود، فعل مرکبِ مدرسه کردن را به فهرست افعال فارسی افزوده‌ایم.^۲ این بدان معناست که افعال بی‌شمار دیگری همچون سوپرمارکت کردن، مسجد کردن، دانشگاه کردن، نانواپی کردن، فروشگاه کردن را نیز به دامنه افعال مرکب فارسی افزوده‌ایم. طبق تحلیل حاضر، مدرسه شدن زنجیره‌ای اسنادی مرکب از «مسند (مدرسه) + فعل اسنادی (شدن)» است نه ساخت مجهول؛ مدرسه کردن نیز زنجیره‌ای سببی مرکب از «مسند (مدرسه) + فعل سببی (کردن)» است نه فعل اسنادی.

منابع

- قریب، عبدالعظیم و دیگران (۱۳۶۳)، دستور زبان فارسی (پنج استاد)، انتشارات مرکزی، تهران.
 دبیرمقدم، محمد (۱۳۷۶)، «فعل مرکب در زبان فارسی»، مجله زبانشناسی، سال ۱۲ شماره ۱ و ۲، ص ۲-۴۶.
 صادقی، علی اشرف و غلامرضا ارزنگ (۱۳۵۸)، دستور سال دوم آموزش متوسطه عمومی، فرهنگ و ادب، وزارت آموزش و پرورش، تهران.
 طباطبائی، علاءالدین (۱۳۸۴)، «فعل مرکب در زبان فارسی»، نامه فرهنگستان، دوره هفتم، شماره دوم (مسلسل: ۲۶)، ص ۲۶-۳۴.
 طبیب‌زاده، امید (۱۳۸۰)، «تحلیل وابسته‌های نحوی فعل در زبان فارسی بر اساس نظریه ظرفیت واژگانی»، مجله زبانشناسی، سال ۱۶ شماره ۱، ص ۴۳-۷۶.
 — (۱۳۸۲)، «مفعول نشانه اضافه‌ای در فارسی»، نامه فرهنگستان، دوره ششم، شماره اول (مسلسل: ۲۱)، ص ۱۰۳-۱۱۷.
 نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۸)، فرهنگ فارسی عامیانه (۲ ج)، نیلوفر، تهران.



۲) در این جمله، فعل «کردن» نه «مدرسه کردن» متعدی است و طبعاً، مانند هر فعل متعدی دیگری، می‌توان از «کردن» (متعدی = تبدیل کردن) مجهول «کرده شدن» ساخت. در باب دیگر شواهد «سوپرمارکت کردن...» نیز آنچه مجهول می‌شود فعل «کردن» است نه «سوپرمارکت کردن...». لذا فقط «کردن» به عنوان فعل متعدی وارد واژگان می‌شود نه «سوپرمارکت کردن...» و این منافات ندارد با قول مؤلف که جمله «این ساختمان مدرسه شد» را اسنادی - بهتر بگوییم صیرورتی - بشماریم. - ویراستار